

بررسی فقهی وقوع طلاق در فضای مجازی

A Study of Islamic Jurisprudence Concerning Divorce in Cyberspace

<https://dx.doi.org/10.29252/jfr.15.3.7>

M.A. Ziaey, Ph.D.

Department of Shafi'i Jurisprudence, University of Tehran,
Tehran, Iran

S. Rostami, Ph.D.

Department of Shafi'i Jurisprudence, university of
Kurdistan, sanandaj, iran

M. Molodi, Ph.D.

Department of Private law, university of Hamedan,
Hamedan, iran

دکتر محمد عادل ضیائی

گروه فقه شافعی، دانشگاه تهران

دکتر سهیلا رستمی

گروه فقه شافعی، دانشگاه کردستان

دکتر محمد مولودی

گروه حقوق خصوصی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

دریافت مقاله: ۹۷/۱/۲۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۸/۷/۳۰

پذیرش مقاله: ۹۸/۸/۱۸

Abstract

The purpose of this descriptive and content analysis study is to investigate the theological validity of virtual divorce occurs in cyberspace, whether by email, SMS or other means of mass communication. Research data were collected by the library and documentary method. Shia clerics disagree about whether the validity of a virtual divorce. Some believe that although written divorce is valid under certain conditions, such divorces are invalid in accordance with the laws of shari'ah and the norms of an Islamic lifestyle, and also due to the possibility of deceit,

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی وقوع یا عدم وقوع طلاق در فضای مجازی، از طریق ایمیل، پیامک یا سایر وسایل ارتباط جمعی است که به روش توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل محتواست. داده‌های پژوهش بر پایه روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. طلاق مجازی یعنی این‌که زوج با استفاده از یک ایمیل یا پیامک و امثال این‌ها، همسرش را طلاق دهد. فقها درباره وقوع، یا عدم وقوع چنین طلاقی اختلاف نظر دارند. گروهی معتقدند هرچند طلاق کتبی تحت شرایطی واقع می‌شود؛ اما طلاق به این شیوه، به دلیل مخالفت با عرف شرع، عدم همخوانی با سبک زندگی اسلامی، وجود فریب و

Corresponding author: Shafi Jurisprudence Department, Faculty of Humanities, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.
Email: s.rostami@uok.ac.ir

نویسنده مسئول: سنندج، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه فقه شافعی
پست الکترونیکی: s.rostami@uok.ac.ir

failure to ascertain the willingness of the parties, the promotion of anarchy in the society, and the destruction of the foundation of family. On the other hand some advocate the validity of such divorces by citing the verses in the scripture and hadiths concerning the laws of divorce, invoking their similarity with the written and unintentional divorce. Similar to a person's confession in the presence of the judge, the submission of an email containing registered electronic signature, provided that the conditions of the divorce are met, this could be considered a manifestation of their will to divorce. According to this research, the theory of the proponents seems to be preferable, given the conditions, due to the strength of the arguments, the consistency with the general demands and the requirements of the present era.

Keywords: Will, Siqeh, Written Divorce, Divorce Cyberspace.

نیرنگ، عدم احراز اراده زوج، ترویج هرج و مرج در جامعه و تخریب بنیان خانواده جایز نبوده و واقع نمی‌شود. در مقابل موافقان با استناد به اطلاق و عموم آیات و احادیث وارده در بحث طلاق، شباهت به طلاق کتبی و قیاس به طلاق هازل، اقرار زوج در حضور قاضی و احراز اراده او بر ایقاع طلاق و ارائه ایمیل حاوی امضای الکترونیکی ثبت‌شده و رعایت شروط طلاق، وقوع آن را جایز می‌دانند. بر اساس پژوهش انجام‌شده، نظریه موافقان با رعایت شروط مقرر، به دلیل قوت ادله، سنخیت با مطالبات عمومی و اقتضائات عصر حاضر راجح به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: اراده، صیغه، طلاق، طلاق کتبی، فضای مجازی.

مقدمه

در منابع فقهی، صیغه طلاق به عنوان یکی از ارکان طلاق قلمداد شده است. منظور از صیغه، الفاظی است که با آن طلاق ایقاع می‌شود. باور بسیاری از فقها بر آن است کسانی که قدرت بر انشای لفظ طلاق به صورت صریح دارند، چنانچه از طریق کتابت یا اشاره اقدام به ایقاع طلاق کنند، حداکثر در حکم طلاق کنایی خواهد بود. از طرف دیگر به مرور با پیشرفت فناوری و وسایل ارتباط جمعی همانند تلگراف، فکس، پیامک و اینترنت که روز به روز بر دامنه استفاده از آن در میان مردم افزوده شده و به دلیل سهولت، کم‌هزینه بودن و سرعت و دقت در انتقال اطلاعات، در زمینه‌های بیشتری از آن استفاده می‌شود، بسیاری از اعمال حقوقی و تصرفات قانونی از این طریق انجام می‌گیرد.

یکی از این تصرفات ایقاع طلاق است. بدین گونه که شخص از طریق پیامک، ایمیل، فکس و سایر وسایل ارتباط جمعی مشابه اقدام به ایقاع طلاق می‌کند. اکنون این سؤال مطرح است که آیا ایقاع طلاق به این شیوه موجب وقوع آن می‌شود؟ آیا وجود لفظ در وقوع طلاق با وجود توان بر تلفظ و تکلم، ضروری است؟ آیا تایپ منویات قلبی می‌تواند قائم مقام تلفظ شفاهی باشد؟ نوشتن و ارسال الفاظ طلاق تا چه میزان بر اراده مطلق، دلالت می‌کند؟ آیا مطلق می‌تواند هرگونه که مایل باشد، اراده خود را اظهار کند، بدون این که مجبور باشد، آن را به قالب معینی درآورد؟ یا این که برای وقوع طلاق، اراده مطلق باید در قالب مشخصی ظهور و بروز یابد؟

و اصولاً چه تفاوتی میان صورت‌های ایقاع طلاق به شیوه سنتی و شیوه‌های مورد بحث از حیث حکم فقهی وجود دارد؟

مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤالات از طریق تتبع در منابع فقهی اصیل و دیدگاه فقیهان و حقوقدانان معاصر به شیوه تطبیقی میان مذاهب اسلامی است، تا از این راه پاسخی منطقی و تحلیلی برای سؤالات فوق بیابد. لازم به ذکر است که ایقاع طلاق با استفاده از وسایل ارتباطی جدید ممکن است از طریق ویدئوکنفرانس و به شیوه شفاهی یا مصاحبه خبری تصویری یا تماس تلفنی نیز صورت بگیرد. در این شیوه ایقاع - به شرط اثبات تلفظ به الفاظ طلاق از سوی کسی که حق طلاق دارد و با رعایت شروط کلی وقوع طلاق - قول به وقوع طلاق، منطقی و قابل قبول است؛ زیرا وقوع طلاق متوقف بر حضور زوجه یا قبول او و امثال آن نیست. آنچه مورد بحث و هدف پژوهش حاضر است، ایقاع طلاق از طریق ایمیل، پیامک و امثال آن است، به این صورت که زوج در یک نامه اینترنتی یا در قالب یک پیامک، همسرش را طلاق می‌دهد و به اطلاع او یا فرد یا افراد دیگری می‌رساند. طبیعی است که سرنخ‌های این مسأله را غالباً باید در بحث طلاق کتبی در نظام فقهی سنتی دنبال کرد.

روش پژوهش

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی و با به‌کارگیری ابزار فیش است. پس از مراجعه به کتابخانه و جست‌وجو و تحقیق در منابع فقهی حقوقی معتبر و پژوهش در زمینه پرسمان مورد بحث مقاله، یافته‌های مورد نظر در برگه‌های فیش گردآوری و پس از دسته‌بندی مطالب به صورت نوشتار حاضر سامان داده شده است. روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع تحلیل محتواست. بر این اساس عناوین اصلی و کلیات بحث توصیف‌شده، درون‌مایه آن‌ها در یک فرایند کیفی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

۱. امضا و جایگاه آن در حقوق ایران

بحث از مقوله امضا - چه عادی و چه الکترونیکی - و جایگاه آن در حقوق ایران، از آن جهت در این پژوهش دارای اهمیت و قابل بررسی است که فعالیت‌ها، معاملات و اعمال حقوقی‌ای که افراد جامعه، به صورت عادی یا با استفاده از اینترنت و وسایل ارتباط جمعی نوین انجام می‌دهند، امضا ضامن اعتبار و مؤید آن است. قانون مدنی امضا را تعریف نکرده است؛ اما بر اساس آنچه از ماده ۱۳۰۱ این قانون^۱ مستفاد است، امضا دلیلی به ضرر امضاکننده است. امضا در اصطلاح حقوقی عبارت است از: «نوشتن اسم یا اسم خانوادگی (یا هر دو) یا رسم علامت خاصی که نشانه هویت صاحب علامت است، در ذیل اوراق و اسناد عادی یا رسمی که متضمن وقوع معامله یا تعهد یا قرار یا شهادت و مانند آن‌هاست یا بعداً باید روی آن اوراق تعهد یا معامله‌ای ثبت شود (سفیدمهر)» (جعفری لنگرودی^۲، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۸۱).

بنابراین با توجه به این تعریف و آنچه از ماده ۱۳۰۱ مستفاد است، اثر مهم امضا، متعهد شدن فرد به تمام آثار و جنبه‌های سند یا قراردادی است که آن را امضا می‌کند؛ چراکه نوشته منتسب به اشخاص در صورتی

قابل استناد است که امضا شده باشد. امضا نشان تأیید اعلام‌های مندرج در سند و پذیرش تعهدهای ناشی از آن است و پیش از آن نوشته را باید طرحی به حساب آورد که موضوع مطالعه و تدبر است و هنوز تصمیم نهایی درباره آن گرفته نشده است (کاتوزیان^۳، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۸).

همچنین براساس بند (ی) ماده ۲ ق. ت. ا.، امضای الکترونیکی، عبارت است از هر نوع علامت منضم‌شده یا به نحو منطقی متصل‌شده به «داده پیام»^۴ که برای شناسایی امضاکننده «داده پیام» مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بند (ه) ماده ۲-۱۶۳۳ قانون مدنی ایالت کالیفرنیا نیز آمده است: امضای الکترونیکی به معنای صدا، نماد یا فرایند الکترونیکی است که شخص آن را می‌پذیرد و ضمیمه مدارک الکترونیکی می‌کند (نوری و نخجوانی^۵، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸). بنابراین با توجه به تعاریف مذکور امضای الکترونیکی پدیده‌ای الکترونیکی و فنی است و شیوه انجام، انواع، مبانی و فناوری‌ها، زیرساخت‌ها و شرایط آن، بر عهده متخصصان علوم رایانه است و قانون‌گذار به منظور تأمین نیازهای تجارت الکترونیکی آن را معتبر دانسته که تاریخچه تصویب آن به سال ۱۹۹۵ میلادی برمی‌گردد.

بر اساس ماده ۱۰ ق. ت. ا.، برای تحقق امضای الکترونیکی مطمئن شرایطی لازم است که عبارتند از:

- نسبت به امضاکننده منحصر به فرد باشد.
 - هویت امضاکننده «داده پیام» را معلوم کند.
 - به وسیله امضاکننده یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد.
 - به نحوی به یک «داده پیام» متصل شود که هر تغییری در آن داده پیام قابل تشخیص و کشف باشد.
- بر اساس آنچه گفته شد، امضای الکترونیکی هر نوع تأیید الکترونیکی است که با استفاده از رایانه صورت می‌گیرد و حاوی یک نشان مثبت هویت شخص امضاکننده است و همانند امضای دست‌نویس دارای آثار حقوقی است، به شرطی که در دفاتر ثبت امضای الکترونیکی ثبت و ضوابط آن رعایت شود که عبارتند از:
۱. حضور شخص امضاکننده و تشخیص هویت او از سوی سردفتر.
 ۲. بررسی صلاحیت مرجع صدور امضا. به این صورت که دفتر ثبت الکترونیکی باید احتیاط متعارف را به عمل آورده و اطمینان یابد که نرم‌افزار مورد استفاده برای ایجاد امضای دیجیتالی به‌روز بوده و به هنگام تقاضای تصدیق/ثبت امضا از سوی متقاضی از اعتبار نیفتاده باشد.
 ۳. بررسی سلامت عقلانی، داشتن سمت و آزادی اراده متقاضی ثبت امضا؛ چراکه متقاضی تصدیق امضا در واقع می‌خواهد از امضای ایجادشده به شرح مذکور در بند فوق، برای پذیرش محتوای مدرک الکترونیکی استفاده کند، این امر به مفهوم متعهد شدن وی به محتوای آن سند است؛ بنابراین باید همانند اسناد کاغذی قصد انجام عمل حقوقی در فرد متقاضی احراز شود (السان^۶، ۱۳۸۳، ص ۸۷-۸۸).
- بنابراین پس از ثبت، امضای الکترونیکی بر اساس ماده ۷۰ قانون ثبت که مقرر می‌دارد: «سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرج در آن معتبر خواهد بود، مگر اینکه مجعولیت آن سند اثبات شود»، دارای سندیت است و آثار فقهی - حقوقی نیز بر آن مترتب می‌شود. ماده ۱۲۹۲ قانون مدنی نیز که بیان می‌دارد: «در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار سند رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است»، مؤید این مطلب است.

۲. ارکان طلاق از دیدگاه فقها و حقوقدانان

فقها در مورد ارکان طلاق نظرات مختلفی دارند. احناف و حنابله معتقدند تنها رکن طلاق صیغه است و اموری همانند مطلق، مطلقه، ولایت و مانند آن، شروط صیغه هستند (کاسانی^۷، ۱۹۷۴، ج ۳، ص ۹۰؛ ج ۱، ص ۲۲۹؛ بهوتی^۸، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۱۳۷). مالکیه می‌گویند ارکان طلاق شامل قصد، محل، اهل و لفظ است (حطاب^۹، ۲۰۰۳، ج ۵، صص ۳۰۷-۳۱۲). شافعیه نیز مطلق، محل، صیغه، ولایت و قصد را جزء ارکان طلاق می‌دانند (شربینی^{۱۰}، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۷۹). فقهای اهل تشیع نیز ارکان طلاق را چهار مورد می‌دانند: مطلق، مطلقه، صیغه و اشهاد (عاملی^{۱۱}، ۱۴۱۰، ج ۶، صص ۱۱-۲۵؛ حلی^{۱۲}، ۱۹۶۹، ج ۳، صص ۱۳-۱۴ و ۱۷-۲۰) که در قانون مدنی نیز بر آن تصریح شده است. در ماده ۱۱۳۴ ق.م.آ. آمده است: «طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لاقبل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد». بنابراین مشاهده می‌شود که همه فقها و حقوقدانان رکن صیغه (لفظ) را به عنوان یکی از ارکان طلاق پذیرفته‌اند و بر آن اتفاق نظر دارند^{۱۳}.
نظر به اهمیت و جایگاه بحث صیغه در این مقاله، مطالب مربوط به آن در یک بخش جداگانه بررسی می‌شود.

۳. صیغه طلاق^{۱۴}

فقها تعریف جامعی از صیغه در اصطلاح ارائه نکرده‌اند؛ اما آنچه از تعریف لغوی و اصطلاحی آن در کلام بعضی از فقها به دست می‌آید این است که صیغه الفاظ و عباراتی است که بیانگر اراده متکلم و نوع تصرف اوست (حطاب، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۱۹؛ کاسانی، ۱۹۷۴، ج ۲، ص ۲۲۹؛ انصاری^{۱۵}، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳ و ج ۳، ص ۱۱۸؛ ابن قیم^{۱۶}، ۱۹۷۳، ج ۳، صص ۱۰۵ و ۱۱۹؛ حسینی^{۱۷}، ۱۳۸۵، صص ۲۹۹-۳۰۰). بنابراین در تعریف صیغه طلاق می‌توان گفت صیغه طلاق لفظی است که از زوج صادر می‌شود و بر خواست و اراده وی بر طلاق دلالت می‌کند و با لفظ طلاق یا الفاظ مشابه آن واقع می‌شود (کبیری^{۱۸}، ۲۰۰۷، صص ۲۱۴-۲۱۹؛ شافعی^{۱۹}، بی‌تا، ص ۲۶؛ حسینی، ۱۳۸۵، صص ۲۹۹-۳۰۰).

۴. شروط صیغه طلاق

صیغه طلاق دارای شروطی است که طلاق بدون آن واقع نمی‌شود و عبارتند از:

۱. صدور لفظ از جانب شخصی که دارای اهلیت تصرف و تبرع باشد (نجفی^{۲۰}، بی‌تا، ج ۳۴، صص ۲ و ۷؛ حلی، ۱۹۶۹، ج ۴، ص ۲؛ کاسانی، ۱۹۷۴، ج ۴، ص ۱۷۶ و ج ۵، ص ۱۳۵ و ج ۶، صص ۱۱۸-۲۰۷ و ج ۷، صص ۱۷۱-۲۲۲؛ دسوقی^{۲۱}، بی‌تا، ج ۳، صص ۵-۶ و ۲۹۴-۳۹۷؛ رملی^{۲۲}، ۱۴۲۴، ج ۳، صص ۳۷۳-۳۷۵ و ج ۴، صص ۳۴۳-۴۱۹ و ج ۵، ص ۴۶۴؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۳، صص ۱۵۱ و ۳۶۲ و ۴۴۲ و ج ۶، صص ۲۲۹-۴۵۴).

۲. بیان‌کننده صیغه قصد لفظ و معنا را با هم داشته باشد و نسبت به معنی آن لفظ آگاهی داشته باشد (ابن عبدالسلام^{۲۳}، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۲).

۳. شخص در بیان صیغه مختار باشد (نجفی، بی‌تا، ج ۳۲، صص ۱۰-۱۷؛ عبدری^{۲۴}، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۴۴؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳؛ ابن قیم، ۱۹۷۳، ج ۳، ص ۱۰۵؛ سرخسی^{۲۵}، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۴۶؛ کاسانی، ۱۹۷۴، ج ۷، ص ۱۸۲؛ قانون مدنی^{۲۶}، ماده ۱۱۳۶).

۴. علم قطعی و یقینی یا ظنی به صدور لفظ طلاق از جانب زوج، به شرطی که زوج عالم به معنای لفظ باشد (ابن‌عابدین^{۲۷}، ۱۳۸۶، ج ۳، صص ۲۸۳-۲۸۴؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۳، صص ۲۸۰-۳۰۳؛ ابن‌قدامه^{۲۸}، ۲۰۰۴، ج ۷، ص ۳۱۸).

۵. نیت (ابن‌قدامه، ۲۰۰۴، ج ۷، ص ۳۲۶؛ دسوقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۵؛ ابن‌جزی^{۲۹}، بی‌تا، ص ۲۵۳؛ کرمی‌الحنبلی^{۳۰}، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۰، نجفی، بی‌تا، ج ۳۲، ص ۱۷؛ قانون مدنی، ماده ۱۱۳۶).^{۳۱}

۵. انواع صیغه

طلاق از نظر لفظی که در صیغه به کار می‌رود به دو دسته صریح و کنایی (حلی، ۱۹۶۹، ج ۳، صص ۱۷-۱۸؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۳، صص ۲۷۹-۲۹۰؛ ابن‌قدامه، ۲۰۰۴، ج ۱۰، ص ۱۱۲؛ ابن‌حزم^{۳۲}، ۱۳۸۹، ج ۱۰، صص ۱۸۵-۱۹۰؛ شیخ نظام و زملائه^{۳۳}، ۱۹۹۱، ج ۱، صص ۳۷۴-۳۷۶؛ جزیری^{۳۴}، ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۲۵۹) تقسیم‌بندی می‌شود. این نوع تقسیم‌بندی مختص زمانی است که طلاق از جانب شخصی ناطق باشد؛ اما گاهی اوقات مواردی پیش می‌آید و مطلق بنا به دلایلی ممکن است نتواند یا نخواهد لفظ طلاق را بر زبان جاری سازد، در این زمان بحث از کتابت طلاق یا اشاره به طلاق به عنوان یکی از حالات استثنایی عدم وجود صیغه در طلاق مطرح می‌شود.

۶. طلاق کتبی

طلاق کتبی یعنی این‌که زوج طلاق را به صورت لفظ جاری نکند؛ بلکه آن را بنویسد و ایقاع طلاق به صورت نوشته و مکتوب باشد.

۷. دیدگاه فقها درباره طلاق کتبی

جمهور فقها از شافعیه، حنابله، حنفیه و مالکیه معتقدند طلاق با کتابت واقع می‌شود، هرچند نویسنده آن قادر به تکلم باشد، چه زوج حاضر باشد چه غایب و تنها اختلاف آن‌ها بر سر این است که چنانچه شخص از الفاظ صریح در نوشته‌اش استفاده کرده باشد، نیاز به نیت در هنگام نوشتن ندارد، اما اگر از الفاظ کنایی استفاده نکرده باشد، در هنگام نوشتن به نیت احتیاج دارد (کاسانی، ۱۹۷۴، ج ۳، صص ۱۰۰-۱۲۰؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۵، صص ۲۴۸-۲۵۲؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۶، صص ۴۳۵-۴۴۵؛ دردیر^{۳۵}، بی‌تا، ج ۲، صص ۱۴۶ و ۳۸۴-۳۹۵).

در فقه امامیه مشهور فقها بر این عقیده هستند که اجرای صیغه طلاق مادامی که زوج حاضر باشد و قادر به تکلم، به صورت کتبی و اشاره باطل است، مگر در صورتی که شخص قادر به تکلم نباشد که در این صورت می‌تواند قصد انشای خود را با کتابت یا اشاره بیان کند، اما در مورد شخص غایب هم کسانی که اعتقاد به صحت طلاق او دارند، می‌گویند زمانی طلاق شخص غایب صحیح است که دو شاهد هنگام نوشتن نامه طلاق حضور داشته باشند و نیز مطلق نیت طلاق داشته باشد؛ در غیر این صورت طلاق شخص غایب واقع نمی‌شود (حلی، ۱۹۶۹، ج ۳، صص ۱۷-۱۸؛ نجفی، بی‌تا، ج ۳۲، صص ۵۸-۵۹؛ امام‌خمینی^{۳۶}، ۱۳۷۳، ص ۵۸۶).
ظاهریه نیز معتقدند طلاق با کتابت و نوشتن اصلاً واقع نمی‌شود (ابن‌حزم، ۱۳۸۹، ج ۱۰، صص ۱۹۶-۱۹۷).

۸. شرایط جمهور برای وقوع طلاق کتبی

جمهور برای صحت ایقاع طلاق کتبی شروطی را بیان کرده‌اند که عبارتند از:

- ۱- کتابت مقرون به نیت باشد و نویسنده قصد وقوع طلاق را داشته باشد.
- ۲- کتابت و نیت در طلاق هر دو باید از زوج باشد. بنابراین اگر کسی شخصاً و با الفاظ صریح یا کنایی نامه‌ای با مضمون طلاق برای همسرش بنویسد و قصد طلاق وی را نیز داشته باشد، حمل بر طلاق به صورت کنایی می‌شود و صحیح است (حلی، ۱۹۶۹، ج ۳، صص ۱۷-۱۸؛ نجفی، بی‌تا، ج ۳۲، صص ۵۸-۵۹؛ مدرس^{۳۷}، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۳۴؛ حسینی‌نسب^{۳۸}، ۱۳۶۶، ج ۱، صص ۳۰۲-۳۰۳؛ زحیلی^{۳۹}، ۱۹۸۹، ج ۹، ص ۳۸۲).
- ۳- کتابت باید روشن و آشکار باشد. یعنی به این صورت که به شکل ظاهر نوشته شده باشد و اثری از آن باقی باشد {دارای اثر باشد}، یعنی زوج طلاق را روی کاغذ یا زمین نوشته باشد؛ اما اگر روی هوا یا آب بنویسد، هرچند نیت هم داشته باشد، شرایط طلاق در آن منتفی است (ابن عابدین، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۴۶؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۸۴؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۲۴۹).
- ۴- طلاق باید نوشته شده {مکتوب} و به شیوه مرسوم باشد. به این صورت که نامه با مضمون طلاق و به نام زوجه، عادی و به آدرس او نوشته شود، مانند نامه‌ای که برای شخص غایب می‌نویسند، به عنوان مثال: من فلان الی فلانه اما بعد انت طالق (ابن عابدین، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۴۶؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۸۴؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۲۴۹) یا اذا وصلت رسالتی هذه فانت طالق.

۹. طلاق در فضای مجازی^{۴۰}

همان‌طور که گفته شد، طلاق در فضای مجازی در این مقاله عبارت است از ایقاع طلاق از طریق ایمیل، پیامک و امثال آن، به این صورت که زوج در یک نامه اینترنتی یا در قالب یک پیامک، همسرش را طلاق می‌دهد و به اطلاع او یا فرد یا افراد دیگری می‌رساند. از این جهت که زوج در یک نامه اینترنتی یا در قالب یک پیامک به صورت تاییبی و نوشته و بدون تلفظ صیغه همسرش را طلاق می‌دهد و به اطلاع او یا فرد و افراد دیگری می‌رساند، به طلاق کتبی شباهت دارد و بر اساس آنچه گذشت، جمهور فقها معتقدند که طلاق کتبی در صورت وجود شرایط واقع می‌شود؛ اما از آن جهت که طلاق در فضای مجازی و از طریق ایمیل یا پیامک و در فضایی خارج از قلم و کاغذ و کتابت معهود و مرسوم شکل می‌گیرد، با طلاق کتبی تفاوت دارد و از جمله مباحث مستحدث فقهی در عصر حاضر به شمار می‌آید که حکم خاص خود را می‌طلبد. بنابراین در میان فقها و حقوقدانان معاصر بازتاب‌های مختلفی پیدا کرده و نظرات مخالف و موافقی درباره آن مطرح شده است که در ادامه به بیان این مطالب خواهیم پرداخت.

۱۰. مخالفان وقوع طلاق در فضای مجازی و دلایل آن‌ها

گروهی از فقها و حقوقدانان معتقدند طلاق در فضای مجازی واقع نمی‌شود و برای اثبات نظر خود به دلایل زیر استناد می‌کنند:

- ۱- طلاق مجازی همراه با فریب و نیرنگ است، بدین صورت که هر کسی می‌تواند با ارسال پیامک یا ایمیل بدون اطلاع زوج بین همسران فتنه ایجاد کند. بنابراین برای اثبات چنین طلاقی اقرار صریح زوج لازم است و قاضی باید تحقیق کند که آیا زوج ارسال‌کننده بوده یا نه؟ (سرکال^{۴۱}، ۱۴۲۷، صص ۱-۳؛ سلام امانه^{۴۲}، بی‌تا، صص ۲۳-۲۴)؛ زیرا در طلاق مجازی این احتمال وجود دارد که شخصی با نیرنگ و تقلب و با دسترسی به آدرس و گذرواژه (پسورد) زوج مبادرت به ارسال ایمیلی با عنوان طلاق برای همسرش کند، در حالی که زوج از این امر آگاهی نداشته باشد. حتی احتمال دارد شخصی به دلیل شباهت اسمی و فیزیکی و

آگاهی از خصوصیات فردی زوج و در اختیار داشتن وسایل شخصی او از ناآگاهی زوجه سوء استفاده کرده و خود را به جای او معرفی کند.

۲- ضرورت حضور شاهد در این نوع طلاق و رعایت مراحل مذکور در آیه ۳۵ سوره نساء؛ چراکه ایقاع این نوع طلاق سبب ضعیف جلوه‌دادن میثاق غلیظ^{۴۳} مذکور در قرآن می‌شود (سلام امانه، بی‌تا، ص ۱۷).

۳- ضرورت وجود اراده جدی در عقود و ایقاعات. در تمامی تصرفات شرعی و حقوقی، اراده‌ای منشاء آثار حقوقی است که قصد انشاء، وجود داشته باشد. به همین خاطر است که در قانون مدنی تصریح می‌دارد طلاق زمانی موجب انحلال نکاح می‌گردد که طلاق‌دهنده دارای قصد باشد. منظور از قصد، قصد انشای رهایی است و آن عبارت از ایجاد رهایی است در عالم تصور که قانون آن را معتبر شناخته است؛ بنابراین اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب زن خود را طلاق دهد یا لفظ را بدون در نظر گرفتن معنی ادا کند، چون قصد رهایی زن را ندارد و الفاظی که ادا کرده پوستی بدون مغز است، آن طلاق باطل است. به همین دلیل ماده ۱۱۳۶ ق.م. شرط صحت طلاق را قاصدبودن طلاق‌دهنده دانسته است (امامی^{۴۴}، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۳۵). بنابراین احراز اراده در این نوع طلاق با توجه به واقعیت‌های موجود دشوار است و این طلاق خلاف احتیاط و خلاف مصالح اجتماعی است؛ زیرا ممکن است زوج اراده جدی برای ایقاع طلاق نداشته باشد و چنین وانمود کند که طلاق را جاری می‌کند، در حالی که مفاد آن را اراده نکرده است یا ممکن است قصد فریب و اغوای طرف مقابل را داشته باشد.

۴- این طلاق، مشکوک، غیر قابل استناد (سلام امانه، بی‌تا، صص ۱۷-۱۸) و خلاف عرف و عادت و روح شریعت اسلامی است.

۵- تخریب نهاد خانواده و از بین بردن قداست آن. اجازه طلاق به این شیوه فتح بابی برای ترویج هرج و مرج در جامعه، عدم ثبات در زندگی زناشویی، تخریب بنیان خانواده و سبک زندگی اسلامی است و بنابراین نباید از فناوری‌های جدید برای تسهیل در امر طلاق و تخریب نهاد خانواده که در اسلام نهادی مقدس و ارزشمند است، استفاده شود (سلام امانه، بی‌تا، ص ۲۴).

۱۱. موافقان وقوع طلاق در فضای مجازی و دلایل آن‌ها

جمعی از فقها و حقوقدانان معاصر بر خلاف مخالفان طلاق در فضای مجازی، معتقدند طلاق از این طریق واقع می‌شود و برای اثبات نظر خود به دلایل زیر استناد می‌کنند:

۱- استناد به اطلاقات و عمومات آیات و احادیث مربوط به طلاق. در قرآن کریم در آیات ۲۲۹ سوره بقره و ۱ سوره طلاق و همچنین در احادیث پیامبر(ص) (ترمذی^{۴۵}، ۱۹۷۵، ج ۳، ص ۴۸۶؛ حرعاملی^{۴۶}، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۶۶ به بعد؛ ابن ماجه^{۴۷}، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۷۵)، به مشروعیت طلاق اشاره شده است. آنچه از اطلاقات و عموم آیات و احادیث استنباط می‌شود، حلیت و صحت انعقاد طلاق با هر وسیله و شکل منطقی و عقلایی مورد قبول عرف از جمله، وسایل الکترونیکی است (خورسندیان و شنیور^{۴۸}، ۱۳۹۲، ص ۶۰).

۲- استناد به حدیث «ثلاث جدهن جد و هزلهن جد» (ترمذی، ۱۹۷۵، ج ۳، ص ۴۹۰؛ قبانجی^{۴۹}، ۲۰۰۰، ج ۹، ص ۲۷۳؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۵۸). این گروه معتقدند همان‌گونه که مطابق حدیث نبوی(ص) مذکور، طلاق هازل واقع می‌شود (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲۴، ص ۱۰۶؛ شوکانی^{۵۰}، ۱۴۱۵، ج ۳، صص ۲۳۱ و ۳۴۵؛ رملی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۳۳)، طلاق مجازی نیز با قیاس بر آن واقع می‌شود.

۳- شباهت طلاق مجازی از طریق ایمیل و پیامک به طلاق کتبی. از آنجایی که جمهور فقها (کاسانی، ۱۹۷۴، ج ۳، صص ۱۰۰-۱۲۰؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۵، صص ۲۴۸-۲۵۲؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۶، صص ۴۳۵-۴۴۵؛ نجفی، بی تا، ج ۳۲، صص ۵۸-۵۹؛ دردیر، بی تا، ج ۲، صص ۱۴۶ و ۳۸۴-۳۹۵) طلاق با کتابت و اشاره را صحیح و به شرط وجود نیت، نافذ می دانند، پس این طلاق نیز صحیح بوده و واقع می شود (قره داغی^{۵۱}، ۱۴۲۹، صص ۹۷۷-۹۸۰)؛ زیرا استفاده از پیامک و ایمیل وسیله ای برای اعلام خبر طلاق از جانب مرد است و نوشته همانند لفظ می تواند مفاهیم و مقاصد را به روشنی بیان کند.

۴- بر اساس قول فقها و نیز مواد قانونی، طلاق در دست مرد است (بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۳، صص ۱۳۹-۱۴۰؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۳، صص ۲۷۹؛ کاسانی، ۱۹۷۴، ج ۳، صص ۱۰۰؛ دسوقی، بی تا، ج ۲، صص ۳۶۵؛ عاملی، ۱۴۱۰، ج ۶، صص ۱۱-۲۵ و ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و اصلاحیه آن در سال ۱۳۷۱)؛ بنابراین مرد با هر وسیله ای می تواند این کار را انجام دهد و از آنجایی که طلاق بر اساس نظر فقها و حقوقدانان ایقاع است و به وسیله اراده شوهر به رها نمودن زن خود محقق می گردد، موافقت زن در طلاق لازم نیست و با عدم رضایت وی نیز واقع می شود و احتیاج به آگاهی او ندارد (ابن براج^{۵۲}، ۱۴۰۶، ج ۲، صص ۲۷۵؛ ابن قدامه، ۲۰۰۴، ج ۷، کتاب الطلاق؛ زحیلی، ۱۹۸۹، ج ۷، صص ۳۶۰-۳۶۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۳۲۷. کتاب الطلاق).

۵- استناد به حدیث «إنما الاعمال بالنیات» (بخاری^{۵۳}، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۶؛ حر عاملی، بی تا، ج ۱، صص ۳۴). این گروه می گویند بر اساس حدیث مذکور معیار اقوال و تصرفات قولی در شریعت اسلامی، نیت افراد است، بنابراین اگر نیت صحیح باشد، عمل نیز صحیح است. در طلاق از طریق فضای مجازی نیز این قاعده جاری است و علاوه بر آن تا زمانی که نیت صحیحی وجود داشته باشد هیچ مانع شرعی ای برای وقوع طلاق وجود ندارد (خورسندیان و شنیور، ۱۳۹۲، صص ۷۴).

۶- با مراجعه به تاریخ فقه روشن می شود پذیرفتن نوشته، ریشه در گذشته دور دارد که به دلیل کمبود باسوادان در جامعه و کمبود قرائن، اطمینانی به نوشته نبوده و این فتوا با از دست دادن شرایط خود تا به امروز تکرار شده است. در دنیای کنونی افزایش سواد و تحصیلات و در آمیختگی حیات اجتماعی با انواع داده های مکتوب و تکامل شیوه های تسجیل آن ها موجب شده است تا نوشته، نقش مؤثرتری در زندگی مردم پیدا کند. به ویژه قانون گذار هم برای مکتوبات، ارزشی بیش از منقولات قائل شده است، بنابراین در ایقاع طلاق جانیشینی کتابت به لفظ برای بیان اراده، مطابق مقتضیات زمان و قوانین جدید است (خورسندیان و شنیور، ۱۳۹۲، صص ۶۷) و دلیل تأکید فقها و قانون گذاران بر ایقاع طلاق از طریق تلفظ، اطمینان از وقوع طلاق و رعایت احتیاط و لزوم رعایت حریم ها و توجه به کانون مقدس خانواده و جلوگیری از بروز هرج و مرج در جامعه است.

۷- علاوه بر این ها موافقان طلاق در فضای مجازی می گویند: درست است که اعتقاد داریم طلاق از طریق فضای مجازی جایز است؛ اما صرف وجود پیامک یا ایمیل نمی تواند دلیلی قطعی و صریح بر طلاق باشد؛ بلکه در واقع اخبار از طلاق است نه ایقاع طلاق و برای تحقق طلاق باید طلاق را توثیق و ثبت نمود و هم چنین برای این نوع طلاق حضور شاهدان و روگرفت از پیامک یا ایمیل لازم و واجب است؛ زیرا چنانچه پس از این طلاق مجازی زوجه بخواهد بعد از گذراندن عده ازدواج کند دیگر راهی برای اعتراض زوج باقی نخواهد ماند (سلام امانه، بی تا، صص ۲۵). هم چنین این نوع طلاق با اقرار زوج یا بینه شرعی (شهود) قابل اثبات

است و اگر از طریق روش‌های قبلی طلاق میسر نشد، قاضی از زوج می‌خواهد که سوگند بخورد. چنانچه زوج آن را انکار کند، زوجه می‌تواند از طریق ارائه پرینت ایمیل که دارای امضای الکترونیکی زوج باشد و با ارائه ثبت الکترونیکی امضایش، آن را اثبات نماید (حسن المؤمنی^{۵۴}، ۲۰۰۳، صص ۵۰-۵۴). این مسأله اهمیت و جایگاه امضای الکترونیکی را در دنیای معاصر و در مسأله طلاق برای جلوگیری از هرگونه تقلب و سوءاستفاده آشکار می‌نماید.

۸- علاوه بر دلایل فوق، موافقان طلاق در فضای مجازی می‌گویند در صورت اعتقاد به وقوع چنین طلاق اولاً: احراز قصد انشا و اراده جازم مطلق از طریق قرائنی هم‌چون مشاهده اعمال و اقوال او امکان‌پذیر است؛ چراکه در صورت وجود الفاظ و عبارات متعارف که دلالت بر وقوع طلاق می‌نماید، بر پایه اصل ظهور و بنای عقلا، باید اصل را بر صحت وقوع طلاق گذاشت (خورسندیان و شنیور، ۱۳۹۲، ص ۷۲، با تغییرات) و ماده ۱۹۱ ق.م نیز این گفته را تأیید و مقرر می‌دارد: «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون‌بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». هم‌چنین نمی‌توان گفت این طلاق صوری است؛ زیرا در صورتی می‌توان عقد را صوری پنداشت که اثبات شود اقوال و نوشته‌های متعاقد ساختگی است. در عرف الفاظ و نوشته‌ها از ابزارهای اثبات اراده هستند و اثبات صوری بودن آنان به دشواری پذیرفته شده است (کاتوزیان، حقوق خانواده، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۲ به بعد و کاتوزیان، قانون مدنی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵ به بعد). ثانیاً: امروزه اثبات رویدادهای حقوقی از طریق ادله امکان‌پذیر و آسان است. بنابراین حکم به وقوع طلاق در فضای مجازی نیز از طریق ادله متعارف حقوقی هم‌چون اقرار، اسناد و شهادت امکان‌پذیر است. به طور مثال اقرار یکی از زوجین یا گواهی معتبری که حاکی از تحقق طلاق باشد، می‌تواند از جمله این ادله باشد. البته ادله فوق تنها راه اثبات این نوع طلاق نیستند؛ چراکه امروزه در کنار ظهور وسایل نوین الکترونیکی به منظور ارسال اطلاعات برنامه‌هایی نیز برای ثبت اطلاعات طراحی شده و هر روز کامل‌تر می‌شود که امضای الکترونیکی یا امضای دیجیتالی از این موارد است و کاربرد آن در طلاق در فضای مجازی می‌تواند به این صورت باشد که شخصی که می‌خواهد همسرش را به این شیوه طلاق بدهد، پیام خویش را در قالب یک پیام کدگذاری شده و رمزدار با امضای الکترونیکی برای همسرش ارسال می‌کند که این امضا در صورت انتساب به زوج و انطباق با اوضاع و احوال قضیه، نقشی مهم در اثبات طلاق دارد. حتی زوجین از این طریق نیز می‌توانند رضایت خویش را برای طلاق اعلام کنند و سپس با استفاده از قلم مخصوص روی صفحه نمایش رایانه امضای دیجیتالی کنند. چنین امری می‌تواند مثبت صحت امضای آنان باشد و از حیث اثباتی وقوع طلاق را نشان دهد.

هم‌چنین به‌کارگیری وسایل ساده دیگری برای اسکن امضا نیز ممکن است قابل قبول محسوب شود. استفاده از طرق مذکور و سایر راه‌هایی که پیوسته در حال ابداع است می‌تواند به نحو اطمینان‌بخشی موجب اثبات طلاق در فضای مجازی شود. بنابراین، زوج یا زوجه یا هر شخص دیگری که مدعی وقوع طلاق است، می‌تواند با استناد به ادله مذکور وقوع طلاق را اثبات کند (خورسندیان و شنیور، ۱۳۹۲، صص ۷۷-۷۸ با اندکی تغییر). لازم به ذکر است در صورت وقوع طلاق از طریق ایمیل یا پیامک زوج باید به دادگاه مراجعه کند و پس از اطمینان دادگاه از رعایت شرایط مقرر در امضای الکترونیکی و ثبت امضای الکترونیکی، نسبت به ثبت طلاق اقدام کند تا در حق زوجه چنانچه خواهد از دواج مجدد کند، اجحافی صورت نگیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت از جمله کاربردهای اینترنت، تلفن همراه و وسایل ارتباط جمعی مشابه آن، در عصر حاضر می‌تواند استفاده همسران از این ابزارهای نوین برای ایقاع طلاق از طریق پیامک و ایمیل و امثال آن‌ها باشد که می‌توان اصطلاح طلاق در فضای مجازی را برای آن به کار برد.

بر اساس اقوال فقهای مذاهب اسلامی و حقوقدانان اصل در طلاق این است که شفاهی و با تلفظ صیغه طلاق باشد. بنابراین وقوع طلاق در فضای مجازی امری خلاف اصل و قاعده است؛ اما از آنجا که جمهور فقهای مذاهب اسلامی و حقوقدانان طلاق کتبی را با رعایت شروط آن جایز می‌دانند، می‌توان طلاق در فضای مجازی را به دلیل شباهت آن به طلاق کتبی جایز دانست.

پس از استقراء ادله و بررسی دلایل موافقان و مخالفان این نتیجه حاصل می‌شود که قول موافقان به صحت وقوع طلاق در فضای مجازی قابل قبول و راجح است؛ چراکه مخالفتی با کلیت آیات طلاق در قرآن و نیز احادیث پیامبر(ص) ندارد. همچنین سد بابی است برای جلوگیری از اقدام عاجلانه زوجین به طلاق و در نتیجه فروپاشی کانون خانواده، از سوی دیگر پذیرش این قول با مطالبات عمومی و اقتضائات عصر حاضر نیز سنخیت بیشتری دارد، بنابراین آثار شرعی و قانونی بر آن مترتب می‌شود، البته به شرط احراز ایقاع طلاق از جانب زوج یا شخص مالک طلاق و رعایت شروط وقوع طلاق.

علاوه بر این‌ها بر اساس ماده یک از مصوبه ۵۲، در ششمین همایش مجمع بین‌المللی فقه اسلامی که در جده در تاریخ ۱۷ تا ۲۳ شعبان سال ۱۴۱۰ هـ با عنوان «اجرای عقود از طریق ابزارهای ارتباطی نوین» برگزار گردید، مقرر شد: اگر عقد میان دو نفر غایب منعقد شود که در یک مکان واحد نباشند و هیچ‌یک از آن‌ها دیگری را به صورت عینی نبیند و سخن او را نشنود، بلکه رابط بین آن‌ها ابزارهای ارتباطی نظیر کتابت، نامه، یا سفارت (=فرستاده) باشد و چنین چیزی از طریق تلگراف، تلکس، فکس، و کامپیوتر انجام شود، در صورت وصول ایجاب به کسی که کتابت خطاب به وی صورت گرفته است و قبول آن از طرف وی، عقد منعقد می‌شود (قره‌داغی، ۱۴۲۹، صص ۹۷۷-۹۸۰؛ مجله مجمع الفقه الاسلامی^{۵۵}، ۱۴۱۰، ش ۶، ج ۲، ص ۷۸۵).^{۵۶}

احضار زوج توسط قاضی و اطمینان از قصد و نیت او و اقرار زوج به وقوع طلاق؛ سلامت کامل عقلی و جسمی زوج در زمان ایقاع طلاق؛ ارائه برگه گواهی عدم امکان سازش؛ حضور شاهدان یا اقامه بینه؛ روگرفت از پیامک یا ایمیل حاوی امضای الکترونیکی ثبت‌شده با رعایت ضوابط و مقررات امضای الکترونیکی و تأیید آن توسط سردفتر، شرایطی است که از ادله موافقان وقوع طلاق در فضای مجازی می‌توان استخراج و استنباط کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاکننده دلیل است. ماده ۱۳۰۱ ق.م.

2. Jafari langrodi

3. katozian

۴. در تعریف «داده پیام» در بند (الف) ماده ۲ ق.ت.ا آمده است: «هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و فناوری جدید اطلاعات، تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود».

5. Nori & Nakhjavani

6. Alsan
7. Kasani
8. Bahoti
9. Hattab
10. Sherbini
11. A'meli
12. Helli

۱۳. برای توضیح بیشتر درباره شرایط ارکان طلاق با تفصیل بیشتر رک به: کاسانی، ۱۹۷۴، ج ۳، ص ۹۰؛ مرغینانی^{۵۷}، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۹؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۱۳۷؛ خطاب، ۲۰۰۳، ج ۵، ص ۳۰۷ به بعد؛ دسوقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۵؛ شربینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۷۹؛ حلی، ۱۹۶۹، ج ۳، صص ۱۳-۱۴ و ۱۷-۲۰؛ عاملی، ۱۴۱۰، ج ۶، صص ۱۱-۲۵؛ نظام‌الدین^{۵۸}، بی‌تا، ص ۲۷ و بعد از آن؛ کببسی، ۲۰۰۷، ص ۱۳۲ و بعد از آن؛ شافعی، بی‌تا، ص ۲۶ و بعد از آن؛ مواد ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵ و ۱۱۳۶ قانون مدنی.

۱۴. برای توضیح معنای لغوی صیغه رک. به فیروزآبادی^{۵۹}، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱۴؛ ابن‌منظور^{۶۰}، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۴۲.

15. Ansari
16. Ibn qeem
17. Hoseani
18. Kabisi
19. Shfi'i
20. Najafi
21. Dasoqi
22. Ramli
23. Ibn A'bdo Alsalam
24. A'bdari
25. Sarakhsi
26. Civil law
27. Ibn a'bedin
28. Ibn qoddameh
29. Ibn jezzi
30. Karami hanbali

۳۱. لازم به ذکر است نیت زمانی در طلاق مطرح می‌شود که زوج از الفاظ کنایی طلاق برای طلاق استفاده کرده باشد و چنانچه زوج الفاظ صریح را استعمال کرده باشد دیگر نیازی به نیت نیست.

32. Ibn hazm
33. Shikh nazzam & zomala
34. Jozairi
35. Dordir
36. Imam Khomeini
37. Modarres
38. Hoseini nasab
39. Zohaili

۴۰. طلاق در فضای مجازی از دو طریق امکان‌پذیر است: ۱- از طریق ویدئوکنفرانس و به شیوه شفاهی یا مصاحبه خبری تصویری، تلویزیونی، رادیو یا تماس تلفنی که در این شیوه از ايقاع، به شرط اثبات تلفظ به الفاظ طلاق از سوی مطلق و با رعایت شروط کلی طلاق، قول به وقوع طلاق، منطقی و قابل قبول است. ۲- طلاق از طریق پیامک و ایمیل و امثال آن که در این مقاله بررسی می‌شود. لازم به ذکر است بر اساس دیدگاه فقهای معاصر طلاق از طریق تلگراف، تلکس و فکس نیز در زیرمجموعه طلاق کتبی است با این تفاوت که چون تلگراف و تلکس همانند فکس انتقال کبی نوشته نیست؛ بلکه دوباره نویسی متن است و شباهت به این دارد که کسی از دیگری بخواهد برای او نامه‌ای بنویسد تا آن را برای شخص دیگری

ارسال کند، در نتیجه احتمال تقلب و کلاهبرداری در آن‌ها وجود دارد و بنابراین نیاز به اثبات دارد (قره‌داغی، ۱۴۲۹، ص ۹۷۷-۹۸۰).

41. Sarkal

42. Salam ananah

۴۳. آیه ۲۱ سوره نساء که می‌فرماید: «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا».

44. Imami

45. Termazi

46. Hori ameli

47. Ibn majah

48. Khorsandyan & shnyor

49. Qabanji

50. Shokani

51. Qaradagi

52. Ibn barraj

53. Bokhari

54. Hasan almo'meni

55. Journal of Islamic jurisprudence assembly

۵۶. أولاً: إذا تم التعاقد بين غائبين لا يجمعهما مكان واحد، ولا يرى أحدهما الآخر معاينة، ولا يسمع كلامه، وكانت وسيلة الاتصال بينهما الكتابة أو الرسالة أو السفارة (الرسول)، و ينطبق ذلك على البرق والتلكس والفاكس وشاشات الحاسب الآلي (الحاسوب)، ففي هذه الحالة ينعقد العقد عند وصول الإيجاب إلى الموجه إليه وقبوله (مجلة مجمع الفقه الاسلامي، ۱۴۱۰، ش ۶، ج ۲، ص ۷۸۵).

57. Marginani

58. Nezam al din

59. Firoz abadi

60. Ibn manzor

منابع

قرآن کریم

- ابن براج، ع. (۱۴۰۶). المذهب. ج ۲. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- ابن جزی، م. (بی تا). القوانین الفقهیه. بی جا.
- ابن حزم، ع. (۱۳۸۹ق). المحلی. ج ۱۰. قاهره: دار الاتحاد العربی.
- ابن عابدین، م. (۱۳۸۶م). الدر المختار. ج ۳. بیروت: دار الفکر.
- ابن عبدالسلام، ع. (بی تا). قواعد الأحكام فی مصالح الأنام. ج ۲. قاهره: مطبعه الاستقامه.
- ابن قدامه المقدسی، ع. (۲۰۰۴). المعنی. ج ۷ و ۱۰. ط ۱. بیروت: دار الفکر.
- ابن قیم الجوزیه. م. (۱۹۷۳). إعلام الموقعین عن رب العالمین. ج ۳. تح: طه عبد الرؤف سعد. بیروت: دار الجیل.
- ابن ماجه قزوینی، آ.ع. (بی تا). السنن. ج ۱ و ۶. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن منظور، ج. (۱۴۱۴). لسان العرب. ج ۸. تح: عبدالله علی الكبير و محمد احمد و هاشم محمد شاذلی. بیروت: دار صادر.
- أسان، م. (۱۳۸۳). جایگاه امضای دیجیتال در ثبت اسناد به شیوه الکترونیکی. ماهنامه کانون، ۲(۵۵)، ۹۳-۵۷.
- امامی، ح. (۱۳۸۲ش). حقوق مدنی. ج ۵. چاپ ۸. تهران: اسلامیه.
- انصاری، ز. (۱۴۲۲). أسنى المطالب فی شرح روض الطالب. ج ۲. ط ۱. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بخاری، م. (۱۴۰۷). صحیح البخاری. ج ۱. تح: مصطفی دیب البغا. بیروت: دار ابن کثیر.
- بهوتی، م. (۱۴۰۲). کشف القناع عن متن الإقناع. ج ۳ و ۵. تحقیق هلال مصیلحی مصطفی هلال. بیروت: دار الفکر.

- ترمذی، م. (۱۹۷۵). سنن الترمذی و هو الجامع الصحيح. ج ۳. تح: احمد شاکر و آخرون. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جزیری، ع. (۲۰۰۰). *الفقه على المذاهب الاربعه*. ج ۴. ط ۱. قاهره: دار الفجر للتراث.
- جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۳۷۰). ترمینولوژی حقوق. ج ۵. چاپ ۵. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حر عاملی، م. *وسائل الشیعه*. ج ۱ و ۱۵. (بی تا). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسن المؤمنی، ع. (۲۰۰۳). *التثقیع الکترونی و قانون التجاره الکتورنیه*. ط ۱. عمان: دار وائل للنشر.
- حسینی، س. م. (۱۳۸۵). *فرهنگ لغات واصطلاحات فقهی*. تهران: سروش.
- حسینی نسب، س. م. (۱۳۶۶ ش). *تسهیل المسائل فقه شافعی*. ج ۱. چاپ ۱. سنندج: انتشارات حسینی.
- خطاب، ش. (۲۰۰۳). *مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل*. ج ۳ و ۵. بیروت: عالم الکتب.
- حلی (محقق)، ج. (۱۹۶۹). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. ج ۳ و ۴. تحقیق و اخراج و تعلیق عبد الحسین محمد علی. نجف: مطبعه الآداب.
- خمینی، ر. (۱۳۷۳ ش). *تحریر الوسیله*. ج ۲. چاپ ۱۲. قم: انتشارات اسلامی.
- خورسندیان، م. ع. و شنیور، ق. (۱۳۹۲). *واکاوی مبانی فقهی و حقوقی جواز انعقاد نکاح در فضای سایبری*. فقه و حقوق اسلامی، ۳(۳)، ۵۵-۸۴.
- دردیر، آ. (بی تا). *الشرح الكبير*. ج ۲. بی تا.
- دسوقی، م. ع. (بی تا). *حاشیه الدسوقی علی الشرح الكبير*. ج ۲. تحقیق محمد علیش. بیروت: دارالفکر.
- رملی، ش. (۱۴۲۴). *نهایه المحتاج*. ج ۳ و ۶. ط ۳. لبنان: دار الکتب العلمیه.
- زحلی، و. (۱۹۸۹). *الفقه الاسلامی و ادلته*. ج ۷ و ۹. دمشق: دارالفکر.
- سرخسی، ش. آ. (۱۴۲۱). *المبسوط*. ج ۱۳ و ۲۴. ط ۱. بیروت: دارالفکر.
- سرکال، ط. (ربیع الثانی ۱۴۲۷). *روزنامه الوسط بحرین*. شماره ۱۳۴۲.
- سلام امانه، ر. (بی تا). *الطلاق الشرعی و الطلاق الکتورنی*. بغداد: جامعه النهرین.
- شافعی، آ. م. (بی تا). *الطلاق و حقوق الاولاد و الاقارب*. بغداد: الدار الجامعیه.
- شربینی، م. (۱۴۲۱). *مغنی المحتاج*. ج ۲ و ۳ و ۶. تحقیق: علی محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شوکانی، آ. ع. م. (۱۴۱۵). *فتح القدر*. ج ۳. بیروت: دارالکتب.
- شیخ نظام و جماعه من علماء الهاند. (۱۹۹۱). *الفتاوی الهندیه فی مذهب الامام الأعظم أبی حنیفه النعمان*. ج ۱. بیروت: دارالفکر.
- عاملی، ز. ع. (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه*. ج ۶. قم: داروی.
- عبدری، م. (۱۳۹۸ ق). *التاج والإکلیل لمختصر خلیل*. ج ۴. بیروت: دارالفکر.
- فیروزآبادی، م. (بی تا). *القاموس المحيط*. ج ۱. چاپ حسینی. بی تا.
- قانون الأحوال الشخصیه السوری. ۱۹۵۳ م و ۲۰۰۷ م.
- قانون الأحوال الشخصیه العراقی. ۱۹۸۴ م.
- قانون تجارت الکترونیکی. مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷. روزنامه رسمی ۱۳۸۲/۱۱/۱۱. سال ۵۹. ش ۱۷۱۶۷.
- قبانجی، ج. (۲۰۰۰). *مسند الامام علی علیه السلام*. ج ۹. تحقیق: الشیخ طاهر السلامی. قاهره: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قره داغی، ع. م. (۱۴۲۹). *مبدأ الرضا فی العقود*. بیروت: دارالبشائر الاسلامیه.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۸ ش). *حقوق خانواده*. ج ۱. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۸ ش). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: میزان.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۰). *اثبات و دلیل اثبات*. ج ۱. چاپ ۱. تهران: نشر میزان.

کاسانی، ع.أ. (۱۹۷۴). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. ج ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷. ط ۲. بیروت: دارالکتب العربی.

کتابخانه اهل بیت (ع)

کتابخانه مدرسه فقاہت

کیسی، أ. (۲۰۰۷). *الأحوال الشخصیه فی الفقه و القضاء و القانون. الزواج و الطلاق و آثارهما*. قاهره: العاتک لصناعه الکتب.

کرمی الحنبلی، م. (۱۴۲۵). *دلیل الطالب لنیل المطالب*. ج ۱. ط ۱. ریاض: دار طیبہ.

مدرس، ع. (۱۳۶۶ش). *شہ ربیعہ تی نیسلام*. ج ۳. چاپ ۲. سقز: انتشارات محمدی.

مرغینانی، أ.ح. (بی تا). *الهدایہ شرح بدایہ المبتدی*. ج ۱. بغداد: الناشر المکتبه الإسلامیہ.

منصور، ج. (۱۳۸۲ش). *قانون ثبت اسناد و املاک*. مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی. تهران: نشر دیدار. ج ۱.

نجفی، م.ح. (بی تا). *جواهر الکلام*. ج ۳۲ و ۳۴. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

نظام الدین، ع.ح. (بی تا). *أحكام انحلال عقد الزواج فی الفقه الإسلامی و القانون العراقی*. ط ۱. بغداد: بیت الحکمه.

نوری، م.ع. و نخجوانی، ر. (۱۳۸۲). *حقوق تجارت الکترونیکی*. چاپ ۱. تهران: گنج دانش.

- A'bdari. M. (1969). [*Al taj va al eklil*]. Le mokhtasar Khalil. Beirut: dar al fekr. (In Arabic)
- Alsan. M.(2004). [*Digital signing position in document registration in electronic form*]. *Journal of kanoon*. 55(2), 57-93 (In Persian).
- Ansari.Z. (2001). [*Asna al mataleb fe sharhe roz al taleb*]. Beirut: dar al kotob al e'Imeeh (In Arabic).
- Ameli (shahed sani), Z. A. (1990). [*Alrozatol al bahyah fi sharhe al lomaa' al dameshq-hyah*]. Qom: davari (In Arabic).
- Al-Ahwal Al-Shakhseyah al-Iraqi law*. 1984 (In Arabic).
- Al-Ahwal Al-Shakhseyah Al-Souri's Law*. 1953 & 2007 (In Arabic).
- Bahoti. M. (1982). [*Kashaf al ghenaa' al ghenaa' a'n matne al eghnaa'*]. Researcher: helal moselahi mostafa. Beirut: dar al fekr (In Arabic).
- Bokhari, M. I. A. A. (1987). [*Sahih Al-Bokhari*]. Beirut: Dar Ibn Kathir (In Arabic).
- Dorder. A al b. [*al shrhe al kabeir*]. Cairo: e'sa al babe (In Arabic).
- Dasoqhi. M. a. [*hashea al dasoqe a'la al sharhe al kabeir*]. Researcher: mohammad a'lesh. Beirut: dar al fekr (In Arabic).
- Emami, S. H. (2003). [*Civil Rights*]. Tehran: Islamie Bookstore (In Persian).
- Feroz abadi. M. [*al qhamos al mohet*]. Tehran: hosaini (In Arabic).
- Hasan al mo'meni, O. (2003). *Al taa'ghee' al elekteroni va ghanon al tejarah al elektroneah*. Aaman: dar vaeel lelnashr. Ed1 (In Arabic).
- Hosaini Nasab, S. M. (1987). [*Tashe al masaeel feghe shafeii*]. Sanandaj: Hosaini. E d1 (In Arabic).
- Hosaini, S. M. (2006). *Farhang loghat va estelihat feghhi*. Tehran: Soroosh (In Persian).
- Hore aa'moli, M. H. [*vasael al sheaa'*]. Bairut: dar ehyaie al toras al aa'rabi (In Arabic).
- Httab, S. al d. (2003). [*Mavaheb al jalil le sharhe mokhtasar al khalil*]. Beirut: a'lam al kotob (In Arabic).
- Heli, J. H. (1969). *Sharaye' Al-Islam fi Al-Masail Al-Halal W Al-Haram*. Research: Abolqasim Ibn Ahmad. Tehran: Tehran Publication. 5th Ed (In Arabic).
- Ibn Barraaj, A. A. (1986). [*Al-Muhzab*]. Qom: Nashr Al-Islami Institute (In Arabic).
- Ibn jozaii, M. [*alghavanin al feghheai*] (In Arabic).
- Ibn Hazm Al-Andalusi, A. M. (1969). [*Al-Mohalla*]. Research: Abdolghafar Soleiman Albandari. Lebanon: Dar Al-Fikr (In Arabic).
- Ibn a'beden, S. M. (1386). [*Al dor al mokhtar*]. Beirut: Dar al fekr (In Arabic).
- Ibn a'bdo alsalam, E'zeden. [*Ghavae' ol ahkam fe masalehe a'nam*]. Cairo: Matba'a al esteghama (In Arabic).

- Ibn Qodama, M. A. M. (2004). [*Al-Moqni*]. Beirut: Dar Al-Fikr (In Arabic).
- Ibn Qayyim Jowziyya, A. A. (1973). [*Ilam Al-Muqeyin an Rab Al-Alamin*]. Research: Taha Abdolraouf Sad. Beirut: Dar Al-Jail (In Arabic).
- Ibn Majeh, A. [*Al-Sunna*]. Research: Mohammad Foad Abdolbaghi, Beirut: Dar Ihyaa al-Torath al-Arabi (In Arabic).
- Ibn Manzur, J. (1955). [*Lisan Al-Arab*]. Beirut: Dar Sadr (In Arabic).
- Internet Software of Fiqahat Library* (In Arabic & Persian).
- Jozaeiri, A' al r. (2000). [*al fegh a'la al mazaheb al arbaa'*]. Cairo: Dar al fagr lel torath.
- Jaa'fari langrodi, M. J. (1991). [*Terminology of Law*]. Tehran: Publishers of ganje danesh. Ed 5(In Persian).
- Katozyan, N. (2009). [*family rights*]. Tehran: Public Joint Stock Company (In Persian).
- Katozyan. N. (2009). [*Civil law in the current legal order*]. Tehran: Mezan (In Persian).
- Katozyan. N. (2001). [*Proof and The reason for the proof*]. Tehran: Mezan (In Persian).
- Kasani, A al d. (1974). [*Badaee' al sanaee ' fi tarteb al shraee'*]. Beirut: dar al ketab al a'rabi. E d2 (In Arabic).
- Kabesi, A. (2007). [*Al ahval al shakhsyah fe al feghe va al qaza va al qanon*]. Al zevaj va al talaq va aasrohama. Qairo: l a'tek le sanaa't al kotob (In Arabic).
- Karami al hanbali, M. (2004). [*Dalil Al Taleb le naile al mataleb*]. Reyaz: dar taibah. E d1 (In Arabic).
- Khomaini, R. (1994). [*Tahrer al vaseslah*]. Qom: Publishers of eslami. E d12 (In Arabic).
- Khorsandyan, M. A., Shenyao, Gh. (2013). [*Wakaui Mbani jurisprudence and rights of the Nakara Dar Faday Saibri*]. Magazine of Fiqh and Islamic rights. 3(6), 55-84 (In Persian).
- Modarres, A. (1987). [*sharea'ti eslam*]. Saqez: Mohammadi. E d2 (In Kurdish).
- Marghenani, A . H. [*al hedayah sharhe bedayat al mobtade*]. Al maktaba al eslamayah (In Arabic).
- Mansor. J. (2003). [*The law of registration of documents and real estate*]. With subsequent amendments and extensions quoted from the set of rules and regulations. Tehran: pablision of dedar. E d 1. (In Persian)
- Maktab Al-Shamila Software* (In Arabic).
- Najafi, M. H. (1987). [*Jawahir Al-Kalam fi Sharh Sharae' Al-Islam*]. Tehran: Maktba' Al-Islamiya (In Arabic).
- Nezam al den, A'. [*ahkam enhelal aa'qd al zevaj fe al feqh al eslami va al qanon al aa'raqi*]. Baghdad : baitol hekmah. E d1 (In Arabic).
- Noori, M. A. (2003). [*E-commerce law*]. Tehran: Gange Danesh. E d1 (In Persian).
- Qabanji, S. H. (2000). [*Mosnade imam ali alaihe al salam*]. Researcher: al sheikh taheer al salami. Manshorat moaaseseei al aa'lami lel matboaa't (In Arabic).
- Qara dage, A. M. (2008). [*Mabdao' al rwza Fe alo'qood*]. Beirut: dar al bashaeer al eslam-yah (In Arabic).
- Ramli, Sh al d. (2003). [*nehayat al mohtaj*]. Lebanon: dar al kotob al e'meeah (In Arabic).
- Sarakhsi, Sh. A. (2000). [*Al-Mabsut*]. Lebanon: Beirut: Dar Al-Ma'rafa (In Arabic).
- Sarkal, T. (2006). [*Calendar of al vasat*]. Bahrain. N 1342 (In Arabic).
- Salam amanah, R. [*al talaqh al share' va al talaqh al electroni*]. Baghdad: University of al nahreain (In Arabic).
- Shafeii. A . M. [*al talaqh va hoqhoqh al avlad va al aqhareb*]. Alexandria: al dar al jameeah (In Arabic).
- Sherbini, M al kh. (2000). *Moghni al mohtaj*. Researcher: ali mohammad moa'vvaz & a'del a'bdol mavjod. Beirut: dar alkotob al e'lmyah (In Arabic).
- Showkani, M. (1994). [*Fath al-Ghadir*]. Beirut: Dar al-kotob (In Arabic).

- Sheikh al Nezam. (1991). [*Al fatava al hendyah fi mazhab al emam al a'zam abi hanifa al nee'man*]. Beirut: dar al fekr (In Arabic).
The holy quran. (In Arabic)
Termazi, M. (1975). [*Sonan al termazi*]. Beirut: dar ehya al torath al a'rabi (In Arabic).
Zohaili, V. (1989). [*Al fegh al eslami va adellatoho*]. Damascus: dar al fekr (In Arabic).

